



<http://bishomaran.com>

طبیعت تأثرات

عتیق اروند

اسپینوزا معتقد است که تأثرات ما، چیزهایی چون عشق و نفرت و حسادت و آز و دلسوزی، همانند سایر اشیای جزئی، از ضرورت طبیعت پیروی می‌کنند. پس اسپینوزا این تأثرات را هم همچون خط و شکل و حرکت در ریاضی قابل توضیح و تبیین می‌داند. تأثرات به طور کل، به دو دسته‌ی تأثرات فعال و تأثرات منفعل تقسیم می‌شوند. اگر علت یک تأثر درونی باشد — یعنی مرتبط به طبیعت بشر باشد و بنابراین از تصورات تام ما ناشی شده باشد — آن را فعال می‌نامیم. اما اگر علت تأثر بیرونی باشد — یعنی مرتبط به طبیعت خارجی باشد و بنابراین از تصورات ناقص ما ناشی شده باشد — آن را منفعل می‌نامیم. به هر حال، تأثر چه از نیروی فعال و چه از نیروی منفعل ما ناشی شده باشد، سبب کاهش یا افزایش کوناتوس (قدرت پایداری در هستی) ما می‌شود. ما همانند هر موجود دیگری در حال کوشش برای پایداری در هستی هستیم. کوناتوسی که صرفن به نفس مربوط باشد اراده نامیده می‌شود. کوناتوسی که همزمان به نفس و بدن مربوط باشد میل نامیده می‌شود. خواهش نیز همان میل است؛ منتها میلی که از آن آگاهییم. ما همواره در پی چیزهایی هستیم که باور داریم برای ما مفیدند و نفعی از آن‌ها به ما می‌رسد و همیشه از چیزهایی دوری می‌گزینیم که وجود آن‌ها را برای هستی خویش مضر می‌دانیم. همیشه چیزهایی هست که کوناتوس مان را تقویت می‌بخشد و یا کاهش می‌دهد. البته در مواقعی به تزلزل نفس می‌رسیم. یعنی در میان انتخاب تأثرات درمی‌مانیم و یا نفس ما از دو تأثر متضاد متأثر می‌شود. اسپینوزا در فصل سوم کتاب اخلاق، به طور کل تأثرات فعال و منفعل و تأثرات بالذات و بالعرض را توضیح و تشریح کرده است و ما نیز شرح مفصل وی را در جدول ذیل خلاصه ساخته‌ایم.

| تعریف تأثر انفعالی | |
|--------------------|--|
| لذت | تأثر معلول حضور بالفعل شی خارجی که سبب رسیدن نفس به کمال عالی‌تر شود |
| رنج | تأثر معلول حضور بالفعل شی خارجی که سبب رسیدن نفس به کمال دانی‌تر شود |
| خوشی | لذتی که هم به نفس و هم به بدن مربوط شود |
| افسردگی | رنجی که هم به نفس و هم به بدن مربوط شود |
| عشق | تأثر معلول حضور تصور شی خارجی یا تخیل حضور آن که سبب رسیدن نفس به کمال عالی‌تر شود |
| نفرت | تأثر معلول حضور تصور شی خارجی یا تخیل حضور آن که سبب رسیدن نفس به کمال دانی‌تر شود |

<http://bishomaran.com>

| | |
|--------------|--|
| امید | لذت ناپایداری که از صورت خیالی شی آینده یا گذشته‌یی که وقوعش مشکوک می‌نماید |
| ترس | رنج ناپایداری که از صورت خیالی شی مشکوک حاصل می‌شود |
| اطمینان | لذتی که از صورت خیالی شی آینده یا گذشته حاصل می‌شود |
| یأس | رنجی که از صورت خیالی شی آینده یا گذشته حاصل می‌شود |
| خوشحالی | لذتی است که از صورت خیالی یک شی گذشته که وقوعش برای ما مشکوک بود ناشی می‌شود |
| افسوس | رنجی است که از صورت خیالی یک شی گذشته که وقوعش برای ما مشکوک بود ناشی می‌شود |
| دلسوزی | رنجی است همراه با تصور شری که به کسی که او را همانند خود تخیل می‌کنیم رسیده باشد |
| استکبار | لذتی است حاصل از این که کسی خود را برتر از آنچه هست پندارد |
| استعظام | لذتی است حاصل از این که کسی دیگری را برتر از آنچه هست پندارد |
| استحقار | لذتی است حاصل از این که کسی دیگری را پایین‌تر از آنچه هست پندارد |
| شهرت‌طلبی | کوششی که برای انجام اعمال و ترک اعمال دیگر مبذول می‌شود و هدفش صرفن‌خشنودکردن دیگران است؛ چنان که انجام‌دادن یا ترک اعمال همواره همراه با زیان ما یا دیگران باشد |
| انسانیت | کوششی که برای انجام اعمال و ترک اعمال دیگر مبذول می‌شود و هدفش صرفن‌خشنودکردن دیگران است |
| ستایش | لذتی که از تخیل عملی به ما دست می‌دهد که دیگری با آن می‌کوشد ما را خشنود کند |
| نکوهش | رنجی که به وسیله‌ی آن از فعل دیگری اظهار انزجار می‌کنیم |
| مباهات | لذتی که با تصور یک علت داخلی جهت ستایش همراه است و سبب رسیدن نفس به کمال عالی‌تر می‌شود |
| شرمساری | رنجی که با تصور یک علت داخلی جهت سرزنش همراه است و سبب رسیدن نفس به کمال دانی‌تر می‌شود |
| از خودخرسندی | لذتی که با تصور یک علت داخلی همراه است و سبب رسیدن نفس به کمال عالی‌تر می‌شود |
| پشیمانی | رنجی که با تصور یک علت داخلی همراه است و سبب رسیدن نفس به کمال دانی‌تر می‌شود |
| غیرت | تزلزل نفس میان عشق و نفرت |
| حسرت | شرط مفقودی که سرمنشاءش معشوق است |
| خیر | هر چیزی که آرزوی ما را برآورده می‌سازد |
| شر | هر چیزی که مانع برآورده‌شدن آرزوی ما می‌شود |
| خوب | چیزی که آن را می‌خواهیم |
| بد | چیزی که از آن نفرت داریم |
| لطف | عشق به کسی است که به دیگری خیری رسانده است |
| قهر | نفرت از کسی است که به دیگری شری رسانده است |
| جبن | تأثری که انسان را بر آن وامی‌دارد که آنچه را می‌خواهد نخواهد و آنچه را نمی‌خواهد بخواهد |
| حیا | شری که از آن خوف داریم که مایه‌ی بدنامی شود |
| بهت | اگر از خواهش اجتناب از شر آتی به وسیله‌ی ترس از شر دیگری جلوگیری شود، به طوری که انسان نداند کدام را انتخاب کند، در این صورت ترس به شکل بهت درمی‌آید. |
| خشم | کوشش برای رساندن شر به کسانی که از آن‌ها نفرت داریم |
| انتقام | کوشش برای پاسخگویی به شری که به ما رسیده است |
| حق‌شناسی | کوشش برای رساندن خیر به کسی که ما را دوست می‌دارد و می‌کوشد تا به ما خیری برساند |
| قساوت | در صورتی که نفرت بر عشق غالب باشد کوشش خواهد کرد تا به شخص مذکور شری برساند. |
| شجاع | کسی که شری را که ما معمولن از آن می‌ترسیم، ناچیز شمارد. |
| با جرئت | کسی که با وجود شر، از نیکی‌کردن یا نفرت‌ورزیدن دست نمی‌کشد |
| جبان | کسی که از شری که ما غالبن از آن نمی‌ترسیم، می‌ترسد |

| | |
|------------|---|
| ادب | خواهش انجام دادن اموری است که انسان‌ها را خشنود می‌سازد و ترک آن اموری است که آن‌ها را ناخشنود می‌کند |
| شکم‌پرستی | خواهش مفرط یا عشق به خوشگذرانی است |
| میگساری | خواهش مفرط یا عشق به نوشیدن است |
| آز | خواهش مفرط یا عشق به ثروت است |
| شهوترانی | خواهش یا عشق مفرط به آمیزش جنسی است |
| اعجاب | حالت نفس یا تخیل یک شی جزئی از این حیث که فقط آن در نفس موجود است |
| احترام | اگر آنچه درباره‌ی آن اعجاب می‌کنیم حکمت شخصی، صنعت شخصی یا هر چیز دیگری نظیر آن باشد، از آنجا که این اشخاص را از این جهات بسیار برتر از خود به نظر می‌آوریم، اعجاب بدل به احترام می‌شود |
| وحشت | اگر موجب اعجاب ما خشم کسی، حسد کسی یا هر چیز دیگری نظیر آن باشد، در این صورت این اعجاب وحشت خوانده می‌شود |
| شیفتگی | اگر اعجاب در خصوص حکمت و صنعت کسی باشد که به وی عشق می‌ورزیم، در این صورت عشق ما به همین سبب شدیدتر خواهد بود و این عشق توأم با اعجاب و احترام را شیفتگی می‌نامیم |
| بی‌اعتنایی | ضد اعجاب است |
| استهزا | بی‌اعتنایی به شیئی که از آن نفرت داریم یا می‌ترسیم |
| اهانت | بی‌اعتنایی به سفاهت |
| فروتنی | رنجی که همراه با تصور ضعف باشد |
| حسد | همان نفرت است، یعنی رنجی است و با عبارت دیگر حالتی است که به وسیله‌ی آن از کوشش انسان یا قدرت فعالیت او جلوگیری می‌شود |
| تذلل | آن است که شخص از روی رنج خود را پست‌تر از آنچه هست بینگارد |
| رقابت | خواهش شیئی است که در ما به این جهت به وجود آمده است که تخیل می‌کنیم که دیگران هم دارای همان خواهش هستند |

| | |
|-----------------|--|
| تعریف تأثر فعال | |
| شهامت | خواهشی که به موجب آن هر شخص می‌کوشد تا فقط به حکم عقل وجودش را حفظ کند |
| کرامت | خواهشی که به موجب آن هر انسانی سعی می‌کند که فقط به حکم عقل به دیگران یاری رساند |